

جدال با شر

در نقد و پاسخ به «مسائل شریعت قدرت خدا» اثر جیمز کِلر

نویسنده:

حسین یزدی



نقد فرهنگ

۱۳۹۸

بر شناسه	یزدی، حسین، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	جدال با شر؛ در نقد و پاسخ به «مسائل شر و قدرت خدا» اثر جیمز کِلر / نویسنده حسین یزدی.
مشخصات نشر	تهران: نقد فرهنگ، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۲۰ × ۱۳
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۶۶۸۹-۰۳-۹
وضعیت فهرست‌نویسی	نیپا
موضوع	خیر و شر (اسلام) / خدا - قدرت لایتناهی
رده‌بندی کنگره	۳۹۸ ج ۵ / BJ۱۴۰۵
رده‌بندی دیویی	۱۱۱ / ۴
شماره کتابشناسی ملی	۵۱۱۴۷۸۷



نقد فرهنگ

نشانی: پردیس، میدان عدالت، خ فروردین جنوبی، خ سعدی، مجتمع قائم، پلاک ۲، واحد ۲۰۳
تلفن: ۷۶۲۷۶۷۴۸ مراکز پخش: ۰۹۹۶۶۴۶۰۰۷، ۰۷۶۶۹۱۷۰۰۶، ۰۶۶۹۱۷۰۰۶

نام کتاب: جدال با شر؛ در نقد و پاسخ به «مسائل شر و قدرت خدا» اثر جیمز کِلر

نویسنده: حسین یزدی

نوبت چاپ: اول

سال انتشار: ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۱۰۰

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۸۹-۰۳-۹

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات نقد فرهنگ است.

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۹	[تقدیر و تقدیر نمی‌کند]
۲۳	مقدمه [ویرایش کلی]
۲۳	[نیاز به بررسی است]

فصل اول معجزات و اعمال شرورانه

۲۹	مساله شر: رنج و اعمال شرورانه
۳۲	[علت بروز شرور اخلاقی]
۳۵	اعتراض بیننده گناهکار
۴۲	[شر بی مقابل همسر و مساله نابودی اخلاق]
۴۷	[کاهش شرور بی مقابل]
۵۰	اعتراض قربانی نمودن
۵۳	[خیر غایی، مبنای بروز شر مقدمی]
۵۷	اعتراض خلقت ناتمام
۶۱	اعتراض رنج حیوان

فصل دوم

مکنون بودگی الهی [و معجزات]

۶۷	مکنون بودگی الهی [و نسبت آن با مساله شر]
۶۹	مکنون بودگی خداوند و تعالی الهی [و پاسخی دیگر به مساله شر]
۷۱	مکنون بودگی الهی و نقص بشری

۷۳	معجزات، مساله ای مرتبط با مساله شر
۷۵	معجزات آشکار و استتاجی
۸۶	معجزه کاربردی و معجزه معرفتی
۸۷	معجزات معرفتی [و مساله شر معرفتی]
۹۱	معجزات کاربردی

فصل سوم دفاع ناشناسی

۹۵	دفاع ناشناس
۹۶	استدلال [بیلیام]
۹۸	دفاع ناشناسی [یکس]
۱۰۲	رو و وایکستر: برای دیگر
۱۰۷	دفاع ناشناسی آلستون
۱۱۰	[خیرات ناشناخته آلستون و پاسخ موار بالا]

فصل چهارم انسیب و سی با شر معرفتی

۱۲۱	شناسایی، تفسیر و تصدیق وحی
۱۲۳	قالیهای ممکن وحی
۱۲۶	وحی و برخی مشکلات انجیل
۱۲۸	رویکرد سوبینرن
۱۳۴	کمان خداوند
۱۳۸	خداوند به عنوان خالق
۱۴۱	معجزات

فصل پنجم تنقیح مساله شر و پاسخ تحلیلی به آن

۱۴۳	کلیت مساله شر در فلسفه غرب (فیلسوفان خدا باور و ملحد)
۱۴۴	آگوستین
۱۴۴	ماهیت عادی شرور
۱۴۴	منشا شر اخلاقی
۱۴۵	منشا شر طبیعی

نسبی بودن شرور در قیاس فرد و کل	۱۴۵
نقدی بر آگوستین	۱۴۵
لایب نیتس	۱۴۶
ماهیت عدمی شرور	۱۴۶
منشا شر طبیعی و اخلاقی	۱۴۶
علت شر طبیعی، ماده نیست	۱۴۶
تصریح به شر متافیزیکی	۱۴۶
نقد اندیشه لایب نیتس در مساله شر و نکته ای بر آن	۱۴۷
رای نیتس	۱۴۸
تحلیل رای پلتنینگا	۱۴۹
فیدرفان و لمار	۱۴۹
فارابی	۱۵۰
انکار شرور طبیعی	۱۵۰
رد تلازم ماده با شرور طبیعی	۱۵۱
اعتقاد به شرور اخلاقی	۱۵۱
تحلیل رای فارابی	۱۵۱
ابن سینا	۱۵۲
کامل بودن عالم به همراه امکان بروز شر در آن	۱۵۲
ماهیت عدمی شر از نوع عدم ملکه	۱۵۳
اذعان به بروز شرور طبیعی و اخلاقی و علت شرور طبیعی، ماده نیست	۱۵۴
شر غیر اکثری در برابر خیر اکثری	۱۵۴
ابن سینا شر را نسبی می داند	۱۵۴
تحلیل رای ابن سینا	۱۵۵
سهروردی	۱۵۵
پیش فرض مبدأ بودن خیر محض واجب الوجود نسبت به عالم ممکن	۱۵۵
عدمی بودن هویت و ماهیت شر	۱۵۶
شر لازمه ماهیت و ناشی از نقص قابل و غیر متناسب به واجب تعالی است	۱۵۶
نسبی بودن شرور و خیر بودن اصل تضاد	۱۵۶
تحلیل رای سهروردی	۱۵۷
صدرالمطالین شیرازی	۱۵۷

۱۵۷	رد ابتدای شر اخلاقی بر شر امکانی (متافیزیکی).....
۱۵۸	استاد شرور اخلاقی به اختیار و اراده انسان.....
۱۵۸	تلازم شر و ماده و خیر بودن اصل تضاد (برای حصول تکامل).....
۱۵۹	اعتقاد به عدمی بودن شرور از نوع عدم ملکه.....
۱۶۵	مجموع بالعرض بودن شرور.....
۱۶۶	مسئله خیر شر، مسأله ای تک تباری فلسفی یا چند تباری؟.....
۱۶۷	شر در نسبت با غایت.....
۱۶۸	دسته شرور.....
۱۶۹	کیفر.....
۱۷۰	ابزار بازگشت و رسیدن به خیر و سعادت.....
۱۷۰	نظریه های عوض و ارزش.....

فهرستها

۲۰۹	فهرست منابع کتاب.....
۱۸۴	فهرست منابع نقد در پاورقی و تابع اصل آثار.....
۱۸۷	فهرست آیات و احادیث.....
۱۸۸	فهرست اسامی اشخاص.....
۱۸۹	فهرست اصطلاحات.....

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بروز حوادث و بلایی چون بیماری‌ها و زلزله‌ها و آتش‌سوزی‌ها و سیل‌ها و سونامی‌ها، این سوال را در ذهن متبادر می‌سازد که با خداوندی که خیر بندگان را می‌خواهد، بروز این حوادث در جهان چگونه با خیریت محض او قابل توجیه است و سازگار می‌باشد؟ آیا خداوند نمی‌داند که این حادثه در شرف وقوع است؟ حتماً می‌دانسته است زیرا او دانای مطلق است و از کتب همه چیز اطلاع دارد و به هر حادثه‌ای از قبل، علم پیشین دارد آیا او نمی‌توانست جلوی این بلا و حادثه شرورانه را بگیرد بطوریکه جمعیتی کشته و مجروح و بی‌خانمان نگردند؟ حتماً می‌توانست چون او قادر مطلق است و بر هر کاری تواناست و اگر نتواند از بروز حادثه‌ای جلوگیری نماید، قدرت او محدود می‌گردد و این با فرض مطلق بودن قدرت خداوند سازگار

نیست. آیا او خیر ما را نمی‌خواهد؟ آیا وجود او مرکب از خیر و شر است بطوریکه این شرور و بلایا، مخلوق او هستند؟ خیر، وجود او خیر محض است و هیچ شری در او راه ندارد و از سوی دیگر خیر مطلق، خیر بندگانش را می‌خواهد. پس این شرور از کجا پدید آمده‌اند؟ چگونه است که از یک سو خداوند، هم دانای مطلق است و هم قادر مطلق و خیر مطلق اما از سوی دیگر، باز هم این شرور در جهانی مشاهده می‌گردند که تمام اجزای آن جهان یکسره مخلوق او می‌باشند. هنگامیکه ما از زوایای فردی به دیگری باشیم و در عین حال برخورد با ظلم را در توانایی خود احساس نماییم، به جهت وجدان و امر اخلاقی از ظلم - ننگیری می‌نماییم. حال چرا خداوند که می‌بیند و قدرت مطلق هم دارد، بدن زورگو را بی‌حرکت نمی‌سازد تا او بر انجام کارش مبتذق نباشد؟ مگر او دانا و توانا و خیر و عادل محض نیست؟ این سوالات و سوالاتی مشابه، هر از گاهی به پرسش مردم عادی بصورت عمومی و اندیشمندان و فلاسفه بصورت تخصصی تبدیل می‌شوند.

از سوی دیگر لزوماً همه شرور در سوالاتی نظیر بالا خلاصه نمی‌گردند؛ از زاویه دیگر هم می‌توان به سرفصل شرور نگریست: دین و وحی برای تعالی و هدایت انسان آمده است. اعتبار وحی و اثبات الهی بودن آن، به مشاهده معجزات پیامبران معتضد بوده است بطوریکه با مشاهده معجزه، انسانها

پی به الهی بودن فرد معجزه کننده و پیام آوری او از خالق هستی می بردند و به این ترتیب کلامی از او که گفته می شد از خداوند دریافت کرده است، وحی الهی تلقی می گردید. اکنون که دوره ختم نبوت است و معجزات پیامبران ظهور پیدا نمی کنند، آیا بشر دچار شر معرفتی نسبت به یقینی بودن وحی الهی است؟ اینها نمونه هایی از دهها پرسش پیرامون مساله شر می باشد.

در دهه های مختلف گاه با شبیه همین سوالات از سوی دانشجویان مواجه می گردیدم و نیاز بررسی این مساله با توجه به سیل پرسشهای جدید بصورت جدی احساس می گردید. با توجه به سابقه تحصیل در رشته های مهندسی مکانیک و ام بی ای دانشگاهی (تجارت و مالی) و برخورد با این طیف از تاثیرگذاران بر جامعه، دامن پریشگاران این حوزه را وسیعتر از صرف دانشجویان فلسفه دیدم. بررسی مساله شر را با رهیافت و پارادایم مناسب در بستر فلسفه اسلامی با توجه به سوالات جدید لازم می دیدم. در اینجا لازم است از همه دانشجویان فلسفه در کلاسهایم که طرح مطالب و پرسشهای آنها بر قوت بحثها می افزود تشکر نمایم.

متأسفانه در این دوره، فلسفه اسلامی تماس گسترده و بایسته با مسائل جدید ندارد. پس از دوره مبارزه با مارکسیسم که مواجهه فلسفه اسلامی با فکر روز بود و علامه طباطبایی و استاد مطهری در آن دوره ظهور یافتند و متعاقباً نوآوری های

چشمگیری در این حوزه فلسفی مشاهده گردید که تولید علم معتنا بهی پس از آن دوره در موضوعات جدید کمتر مشاهد می گردد. می توان به برخی مباحث جدید که لزوم تولید فکر دارد اشاره نمود و خوانندگان فهیم حتما سوالات دیگری نیز به آنها اضافه می نمایند. مباحثی نظیر جایگاه عقل در انسان، شناسی فلسفی و نسبت آن با وحی در تدوین نظامات اقتصادی، توسعه و بانکداری و یا نظریه فلسفه دموکراسی - بر مبنای فلسفه می ایران، فلسفه اسلامی - آری یا خیر و دهها موضوع و مسأله مهم کاربردی دیگر که نیاز مبرم امروز جامعه ماست که پاسخهای آن بر مکرر تولید فکر در حوزه فلسفی است.

در اروپا و در دوره رنسانس، اولین نقطه ای که متحول شد فلسفه بود و یکی از نتایج آن، تولید نظریه لیبرالیسم فلسفی است. پس از آن، این نظریه وارد علم اقتصاد گردید و نظریه لیبرالیسم اقتصادی متولد شد و سپس رانده حوزه های روانشناسی و تربیتی و غیره گردید. بدینرو، تحول غرب حول اجزاء منفصل و کنار هم قرار گرفتن خانه های تکی و تشکیل پازلی بدون شکل و هارمونی نبود. مشاهده می نمایم در غرب، اجزاء تحول در حوزه های مختلف با یکدیگر بر مبنای لیبرالیسم فلسفی تناسب دارند و فکر فلسفی، زیربنای سایر اجزاء تحول قرار گرفته است.

در اینجا که نسبت به لیبرالیسم و عنصر عدالت اجتماعی در

آن اشکال می‌بینیم لازم است فلسفه به میدان بیاید و نسبت به حوزه‌های جدید و جایگاه عقل و نسبت فهم آن با وحی و فلسفه نبوت، نظریه پردازی بنیادی و در عین حال قابل اجرا نماید و سپس مانند غرب - و البته بدون گرتنه برداری و یا خودباختگی - به ریل‌گذاری برای تناسب بخشیدن به حوزه‌های اجتماعی و اجرایی اقدام نماید. مطمئن هستم که در آینده چندان دور، این غفلت را اصلی‌ترین پاسخ به پرسش رایج سرگردانی اجرایی میان مکاتب مختلف خواهیم یافت.

در این کتاب، به عنوان یک رویکرد جدید در حوزه فلسفه اسلامی، ارزش گردید، که به جای طرح مطالب به صورت موضوع محور، مساله محور مورد اهتمام قرار گیرد و در پاسخ به هر پرسش، نکی از این حوزه مطرح گردد. طبیعتاً در حین تحقیق به آثار عربی و انگلیسی مراجعه گردید و کتاب *PROBLEMS OF EXILE AND THE POWER OF GOD* اثر دکتر جیمز کلر را که در کانتکست فلسفه غرب و تفکر مسیحی نوشته شده است را از حیث درس پژوهش مساله محوری و بررسی سوالات مربوط به مساله، عمیق یافتیم که نه تنها بسیاری از سوالات را در این محور، جمع آوری نسبتاً تا حد بالایی کرده است بلکه به بررسی و پاسخ محققانه و اجتهادی نیز پرداخته است. لذا نقد پاسخهای آن و طرح برخی دیگر پاسخها از سوی فلسفه اسلامی، به نظرم به جذابیت بررسی مساله مهم شرعی می‌افزود. در آن کتاب، مسائل مختلفی

در مورد شر مطرح گردیده است که انتقال سوالات از فلسفه غرب به هندسه تفکر فلسفه اسلامی و یافتن پاسخهای تحلیلی فلسفه اسلامی - که بر پایه استدلال عقلی است - می‌تواند هم سبب غنای علمی بیشتر آن کتاب انگلیسی گردد و هم برای دنیای فلسفه اسلامی، دروازه مهمی به شناخت مسایل جدید و طرح در حوزه شرور باشد. لذا برای طرح هندسه تفکر فلسفه اسلامی در مساله شر، احساس نمودم قالب نقد و بررسی یک کتاب قوی عربی فایده‌ایست فهم بهتری برای مقصود خواهد داشت.

نام کتاب را در بررسی با توجه به متن اصلی و نقدهای پاورقی و نیز فصل آخر که مربوط به انجانب است جدال شر، در نقد و پاسخ به «مسائل شر و قدرت خدا» اثر جیمز کلر، قرار دادم که با این اثر، تناسب بیشتری دارد. علاقه‌مند بودم با نقدها و پاورقی‌های لازم، خط به خط کتاب، تپ به تپ را و در موارد لازم نقدهای موثر داشته باشد و ذهن خواننده را درگیر خود نماید بطوریکه کتابی موجز و قابل مطالعه باشد در عین حال از متن کتاب و نقدهای وارده، هندسه بروز شر در جهان و نیز نسبت آن با خداوند به خوبی تبیین گردد. طبیعی بود که با برخی از اندیشه‌های دکتر جیمز کلر موافق بودم و در محلهایی هم که نقد داشتم، آنرا مورد نقد قرار دادم که این موارد همه به صورت مجزا در پاورقی صفحات و داخل کروشه آمده است. سپس در فصل آخر، با تحلیل مساله شر و

نکات جدیدی چون چند وجهی بودن آن و عدم مابازاء خارجی داشتن آن در عین منشا انتزاع خارجی داشتن و تقسیم دلایل بروز شرور به زیربنایی و روبنایی مطالبی خارج از کتاب تالیف گردید که مکمل لازم کتاب می باشد.

به جهات پیش گفته و اهتمام به نگارش و ابداع اثری کاملاً مرتبط با مساله شر و در عین حال کوتاه و مفید و قابل مطالعه کردن آن در طول کتاب انگلیسی نسبت به حذف مطالب کمتر مرتبط با مساله اصلی و کوتاه نمودن برخی موارد موردی همراه با دقت، اقدام نمودم. در این راستا، مطالبی که در کتاب انگلیسی به نسبت مساله شر با ایدئولوژی مسیحی و فقرات انجیل می پرداخته حذف گردید. پژوهشگر دیگری می تواند این مطالب را در کتاب دیگری که رنگ و بوی کلامی دارد بررسی نمایند.

به این ترتیب، فصل هشتم کتاب ذکر سیمز کلز را پس از مطالعه، حذف نمودم چرا که در محتوای تفکر مسیحی قابل بررسی بود و برای یک مسلمان، صرفاً خواننده اندیشه هایی بود که در ذیل تفکر مسیحیت و کلیسا قابل بررسی بود و طبیعتاً توسط فلاسفه غربی مورد نقد و انتقاد هم قرار گرفته بود که اگر می آمد باید نکات متناظر از کلام اسلامی نیز آورده می شد و کتاب از حوزه فلسفه خارج می گردید. از این جهت و به همین دلیل، فصول چهارم و ششم و هفتم را با تحفظ مطالب، تلخیص و در فصل چهارم کتاب حاضر قرار دادم.

بطور خلاصه اقداماتی که روی کتاب اصلی انجام پذیرفت و در پی آن کتاب حاضر، ترجمه و تالیف گردید به شرح ذیل می باشد:

وضعیت فصول در کتاب اصلی	وضعیت فصول در کتاب حاضر (نقدها در پاورقی صفحات فصول)
فصل اول	مقدمه جیمز کلر (ماهیت مقدمه ای داشت و زیباتر بود به عنوان مقدمه ترجمه گردد)
فصل دوم	فصل اول
فصل سوم	فصل دوم
فصل پنجم	فصل سوم
فصل چهارم و ششم و هفتم	ناخیز در فصل چهارم
فصل هشتم	حذف
-----	فصل پنجم (تالیف)

امیدوارم اینجانب توانسته باشد با رضایت و بهی گامی بسیار کوچک برداشته باشد و امید دارم که سائق گرامی و دانشجویان عزیز و خوانندگان محترم با نقدهای خود به غنای اثر در چاپ بعدی بیافزایند.

با احترام
حسین یزدی
بهار ۱۳۹۸